

مشخصات طفل

روحیه و اخلاق - عادات تمایلات - تظاهرات - معاشرت ها قابلیت یا عدم قابلیت پرورش - نوع زندگانی که مورد پسند اوست - تقاضاهائی که مورد آرزوی اوست - درجه احترام پدر و مادر - انضباط - نظافت - رعایت بهداشت .

مشخصات خانوادگی

شناسنامه و مشخصات پدر و مادر و اقوام نزدیک - کار آنها - درآمدشان - بودجه خانوادگی - مزد - اخلاق - روحیه - شهرت - وضع رفتار - صحت - بیماری - عادات بد یا خوبی که دارند - دقتی که در خصوص نگاهداری و پرورش اطفال بکار می برند .

پیشنهادات

توضیح اینکه معایب در اثر چه عواملی پیداشده اند و بچه وسایلی میتوان آنها را از بین برد

نظریات پزشکی

عوارض تولد ( دیرزائی - سخت زائی - قبل از موعد بدنیا آمدن ) خواب تحریکات عصبی - درجه نمو - سالی که در آن طفل دندان در آورده - برآه افتاده - بزبان آمده است - قوای بدنی - عضلانی - عصبی - توضیح اینکه به چه نوع کاری استمداد خواهد داشت .

دکتر احمد هومن

# انواع و ارکان قتل

در قانون مجازات عمومی ایران جرم قتل تعریف نشده و فقط مجازات قاتل تعیین گردیده است . برای اینکه بهتر بتوان در اطراف موضوع بحث نمود بدو انواع مختلف قتل بیان می شود : رو به مرگه میتوان قتل را به سه نوع تقسیم کرد :

۱ - قتل عمدی که کسی عاصداً وسیله قطع حیات دیگری شده مثل اینکه کسی بر اثر دشمنی یا برای بردن مال غیر با اسلحه ای که قبلاً برای این منظور تهیه نموده بدیگری حمله کرده و او را از پا در میآورد .

۳ - قتل بر اثر تصادف که بهیچوجه نه نیت و قصد قتل موجود بوده و نه از مقررات و نظامات عمومی تخلف شده است مثلاً شوفری از راهی عبور میکند اتفاقاً قسمتی از جاده که نزدیک بدره است بعلت سنگینی ماشین یا علت غیر مترقبه دیگری خراب شده و ماشین بدره برتاب و مسافریین هلاک میشوند در این مورد نه تنها شوفر قصد قتل نداشته است بلکه از مقررات و نظامات هم تخلف نموده و فقط

۲ - قتل بر اثر بی احتیاطی یا تخلف از نظامات و مقررات عمومی . مثل اینکه راننده ای که گواهی نامه مربوطه را ندارد و صالح برای شوفری اتوموبیل نیست بر خلاف مقررات پشت ران نشسته و مشغول رانندگی شده و از

وقوع قتل بر اثر حادثه و اتفاق غیر منتظره بوده است.

در قانون مجازات عمومی ایران فقط دو نوع قتل اول و دوم ذکر شده و قتل نوع سوم بیان نشده و ظاهراً علت اینکه در قانون مزبور از قتل نوع سوم صحبت نشده برای این است که قتل مزبور جرم نیست زیرا یکی از شرایط اصلی و اساسی برای اینکه عملی جرم باشد این است که فاعل با سوء نیت مرتکب عملی گردد و در مورد قتل مزبور قتل بر اثر نیت و قصد و عمل کسی واقع نشده است بلکه معمولاً حادثه غیر مترقبه‌ای است که پیش آمده و سبب مرگ کسی شده است.

هر یک از انواع قتل را جداگانه بطور خلاصه مورد بحث قرار میدهم:

### قتل عمد

همانطور که بیان شد قانون مجازات عمومی ایران قتل عمدی را تعریف نکرده است و فقط در ماده ۱۷۰ مجازات مرتکب قتل عمدی را اتمام تعیین نموده است میتوان قتل عمد را بطریق ذیل تعریف کرد:

قتل عمدی عبارتست از قطع حیات کسی بوسیله دیگری عمداً و برخلاف قانون.

ماده ۳۶۴ قانون مجازات عمومی ایتالیا که راجع بقتل عمدی است بطریق ذیل تدوین شده: هر کس بقصد کشتن وسیله مرگ دیگری شود...

در ماده ۳۹۳ قانون بلژیک نیز شمشیر همین معنی دیده میشود. رویهمرفته برای اینکه جرم قتل عمدی واقع و مجرز شود باید سه رکن اساسی ذیل موجود باشد تا بتوان مجرم را بعنوان ارتکاب قتل عمدی تعقیب و محکوم و مجازات نمود.

ارکان سه‌گانه مزبور عبارتست از:

۱ - وجود حیات انسان.

۲ - عملی که عمداً انجام و سبب قطع حیات

انسان شود.

۳ - وجود قصد و نیت قتل که منتهی به نتیجه شده باشد.

اما باید دانست که شرایط وارکان نامبرده باید تماماً موجود باشند تا جرم قتل عمد محرز گردد و اگر یکی از شرایط نامبرده موجود نباشد جرم قتل عمد محرز نیست اگر چه سایر شرایط وارکان موجود باشند.

هر یک از شرایط نامبرده بالا جداگانه بطور اختصار مورد بحث قرار میگردد.

### الف - وجود حیات انسان

موجود بودن حیات انسان یکی از ارکان اساسی برای احراز جرم قتل عمد میباشد زیرا تا کسی زنده نباشد و حیاتی وجود نداشته باشد قطع حیات و قتل میسر و قابل تصور نیست. از تذکر شرط مزبور نتایج زیر گرفته میشود:

۱ - ضربات و جراحات وارده بر جسدی در حال زنده قاتل عالم بقوت مضروب نباشد اگر چه قصد قتل موجود باشد سبب تعقیب و مجازات ضارب نیست توضیح آنکه اگر کسی بقصد قتل دیگری با نیت سوء و برای کشتن ضربات شدیدی بجسدی وارد آورد یا جسدی را مورد حمله و هدف تیرهای تفنگ قرار دهد در حالی که بکلی جاهل بمرگ مضروب باشد عمل او جرم نبوده و قابل تعقیب و مجازات نیست زیرا حیاتی موجود نبوده که عملیات و اقدامات او سبب قطع آن شود و قبل از شروع عملیات او مضروب مرده بوده است و بهیچوجه عملیات ضارب سبب مرگ نشده است همچنین اگر کسی برای قتل دیگری بمبى بعمارتی پرتاب کند که آن بمب در صورت اصابت سبب قطعی مرگ خواهد شد اتفاقاً وقتی که بمب بعمارت پرتاب و بشخصی که مورد نظر بوده اصابت میکند معلوم و محقق میشود که آن شخص چند ساعت قبل از پرتاب شدن بمب بعلمت دیگری فوت نموده است ولی پرتاب کننده بمب عالم باین قضیه نبوده ولی با سوء قصد مرتکب عمل خود شده ممکن است اینطور استدلال کرد که هر عمل برخلاف قانونی که جنبه جزائی دارد قابل تعقیب است

و در اینگونه موارد کسی که بمب پرتاب کرده و وسایل ارتکاب جرم و قتل دیگری را عمداً فراهم نموده و با سوء نیت و قصد قتل عملیاتی انجام داده برای اینکه عملیات او بر خلاف قانون و برای ارتکاب جرم است باید قابل تعقیب و مجازات باشد و اگر اینگونه اعمال جرم تلقی نشده و فاعل که با سوء نیت اقدام نموده مجازات نشود. بعدها نیز سوء استفاده کرده و بنا برین مختلف مرتکب جرائم دیگری میشود و در اینگونه موارد اگر چه عملیات او بخودی خود سبب قطع حیات و قتل نشده است ولی اقداماتی که شده سبب قطعی قتل هست و عدم وقوع جرم مربوط بعمل فاعل نبوده بلکه تصادفاً قبلاً شخصی که مورد نظر بوده است فوت کرده بوده پس نباید چنین شخصی مجازات نشود. اما همانطور که فرقی بین شد این استدلال صحیح نبوده و فاعل قابل تعقیب و مجازات نیست زیرا عملیات او مستقیماً سبب و علت هیچ جرمی نشده و به نتیجه نرسیده است و حیاتی موجود نبوده که عملیات او سبب قطع آن گردد و میدانیم که وقتی کسی قابل تعقیب و مجازات است که عمل او سبب وقوع جرمی گردد.

۲- سقط جنین در حالی که مسلم و محقق شود طفل مرده بوده و زنده بدنیا نیامده است قتل عمد محسوب نمی شود. توضیح آنکه کسی بقصد سقط جنین عمداً ضربانی بزنی حامله وارد میآورد که منتهی بسقط جنین شود ولی پس از ورود ضرب و پیدایش طفل معلوم و مسلم میشود که طفل قبل از ورود ضربه و شروع عمل مرتکب مرده بوده است در این مورد با اینکه ضارب عالم باین وضعیت و پیش آمد نبوده است و مخصوصاً عمداً برای سقط جنین مبادرت بعمل خود نموده قابل تعقیب و مجازات نیست زیرا حیاتی موجود نبوده و هنگام ابراد ضرب ذبحیاتی وجود نداشته است که بملت عمل ضارب معدوم شود.

۳- اما ببینیم اگر کسی بقصد سقط جنین مرتکب ابراد ضرب یا عمل دیگری شود که مسلماً سبب قطعی سقط جنین است ولی با پیدایش طفل از نقطه نظر اصول طبیبی و اوضاع و احوال قضیه مسلم شود که طفل حتماً زنده بدنیا نمیآمده و سالم نبوده است آیا عمل ضارب جرم و بعنوان

سقط جنین قابل تعقیب و مجازات هست یا نه؟ مثلاً پزشکی برای سقط جنین عمداً دوائی بمادر حامله میدهد که منجر بسقط جنین گردد و مسلماً دوائی نامبرده با خصوصیات واقعه سبب قطعی سقط جنین خواهد بود ولی بعد از پیدایش جنین با معاینه های طبی دقیق محقق و مسلم میشود که اگر مادر دوائی نامبرده را نمیخورد است باز هم طفل زنده بدنیا نمیآمده و بملت دیگری میمرد است. آیا پزشک قابل تعقیب و مجازات هست یا نه؟ ظاهراً ممکن است گفت که تعقیب و مجازات پزشک موافق عدالت و انصاف نیست زیرا اگر چه او دوا بمادر داده و قصد سقط جنین داشته است ولی مسلم شده که اصلاً طفلی بوجود نمیآمده و ذب روحی موجود نمیشده است اگر عمل او هم نبود باز مادر طفلی نمیداشت و جنین بملت و سبب دیگری سالم بدنیا نمی آمد و حقیقتاً مثل این است که عمل پزشک هیچ اثری نداشته و اگر دوا را هم نمیداد نتیجه یکی بود و در هر حال طفل زنده بدنیا نمیآمده پس نباید تعقیب و محکوم و مجازات شود. اما استدلال مزبور صحیح نیست زیرا هنگامی که پزشک مرتکب جرم شده و برای سقط جنین دوائی مضر را بمادر حامله داده جنین موجود بوده و خلاصه زمان ارتکاب و شروع گناه حیاتی موجود بوده است و در آن موقع بهیچوجه احتمال داده نمیشده و تصور نمیرفته که طفل زنده بدنیا نیابد فلذا عمل پزشک جرم و قابل تعقیب و مجازات است.

۴- باید دید قتل اشخاص خارق العاده و عجایب - المخلوقات چه صورتی دارد؟ گاهی دیده میشود که طفل وقتی بدنیا میآید وضع جسمانی و بدنی او بکلی با انسان عادی متفاوت بوده و با اشخاص عادی فرق دارد که نمیتوان او را انسان واقعی محسوب نمود مثلاً گاهی دیده شده است که طفل جدیدالولاده دارای چند دست و پایا چند سر و پستان بوده لال و کور و گنگ با افلیج است و گاهی سر و صورت و چشمها در محل طبیعی نبوده با وضع عجیب و غریبی در جاهای مختلف قرار گرفته است و غالباً اینگونه موجودات بملت انحراف از وضع طبیعی غیر سالم بوده و قادر بهیچ کاری نبوده و مثل حیوانات زیست میشوند و اغلب زود میمیرند و گاهی

بدون دست و پا بوده و شباهت زیادی بیک نوع حیوان دارند که هر کس آنها را به بیند فوراً تصور میکند که زائیده از حیوان است. باید دید قتل اینگونه موجودات چه صورتی دارد آیا قتل عمد محسوبست یا نه و آیا قتل اینگونه موجودات با انسان معمولی از نقطه نظر مجازات یکسان است یا اینکه فرق می کند؟ حیات هر فردی از افراد در هر حال و هر وضعی که باشد برای جامعه یکسان است و هر موجودی در نظر جامعه ارزش دارد و بطور کلی از نقطه نظر اجتماعی و اصول فلسفه جزائی تذکیر و تنبیه ملیت، تابعیت، نژاد، خون، قابلیت و استعداد دانائی و جهالت تندرستی و ناخوشی بهیچوجه موجب تفاوت و اختلاف آثار جزائی نیست مقتول هر کس و در هر حال و با هر وضعیت و خصوصیتی باشد در نوع و میزان مجازات قاتل مؤثر نیست اگر مقتول بکنفر شخص بسیار مسن یا طفل کور و گنگی باشد برای جامعه همان آثار و اهمیتی را دارد که مقتول بکنفر جوان سالم باشد قتل بکنفر دانشمند بایکنفر بی سواد جاهل برای جامعه از نقطه نظر جزائی یکسان است اگرچه شخص دانشمند برای جامعه بسیار مفید و لازم باشد و خدمات شایانی بنماید همچنین حتی قتل بیک نفر تباهاکار و فاسد الاخلاق که دارای چندین پیشینه های محکومیت جزائی است بایکنفر شخص درست و صحیح العمل که از هر حیث تابع مقررات قانون و مطیع نظامات اجتماعی است فرق ندارد و این خصوصیات که در رسوم و قوانین سابق ملل غیر متمدن وجود داشت خوشبختانه امروز در قوانین جزائی کشورهای متمدن وجود ندارد و تنها شرط مجرمیت و تعقیب و محکومیت و مجازات قاتل این است که عمداً و برخلاف قانون سبب قطع حیات دیگری شود مقتول هر کس و در هر حال و هر وضعی باشد قاتل مجازات میشود.

ممکن است گاهی اوقات خصوصیات واقعه و اوضاع و احوال قضیه موجب تشدید یا تخفیف و تعدیل مجازات مجرم گردد ولی در هر صورت قاتل شخص خارق العاده از مجازات معاف نمیشود مثلاً در بعضی از کشورها قتل پدر مجازاتش سخت تر از سایر انواع قتل عمداست یا گذشت مدعی خصوصی و ولی دم سبب تخفیف مجازات میشود ولی هیچوقت قاتل عمد بعلت خصوصیات جسمانی و فکری

مقتول از مجازات معاف نمیشود. علمای حقوق جزا سابقاً راجع بقتل اشخاص خارق العاده بحث کرده اند و بعضی قتل عمد اشخاص مزبور را با اشخاص عادی و معمولی یکسان نمیدانستند اما خوشبختانه امروز کلیه علماء حقوق متفقاً بر این عقیده اند که هر کس جان در بدن دارد و از انسان بوجود آمده و باوانسان اطلاق میشود دارای کلیه حقوق اجتماعی است.

۵ - اگر بیماری که در حال نزع و احتضار است و مسلم است که پس از مدت خیلی محدود و نزدیکی خواهد مرد قتل او چه صورتی دارد؟

همانطور که فوقاً بیان شد چون هنگام ارتکاب جرم بیمار شخص جان دار و زنده است پس عمل مرتکب در صورتی که برای قتل باشد و باسوء نیت اجرا گردد قابل تعقیب و مجازات میباشد.

بیماری که مبتلا بمرض سخت و خطرناکی است و مدتها بستری بوده و در حال نزع و احتضار میباشد و وضعیت مزاجی و آثار و نتایج مرض او طوریست که خیلی باورنچ میدهد و مریض در حال جان کندن و گرفتار عذابهای شدید میباشد و طبق اصول طبی و تجربیات قطعی بعد از مدت کمی خواهد مرد و پزشک بنا بقاضای خود بیمار را اقربا و دوستداران بیمار برای نجات او از رنج و زحمت بیماری بوسیله ایراد ضرب کوچکی یا استعمال درا یا نزریق بیک آمپول بزندگانی او خاتمه میدهد آیا پزشک مجرم است و قاتل محسوبست و باید تعقیب و مجازات شود یا نه؟

با اینکه پزشک بر اثر تقاضای بیمار اقدام نموده و برای رهایی و استخلاص و نجات بیمار از زحمت و رنج بیماری مرتکب عمل شده و بهیچوجه نیت و اراده دیگری نداشته است باز مجرم و قابل تعقیب و مجازات است اگر چه بهیچوجه محتمل نباشد که بیمار از مرض رهایی خواهد یافت و از بستر بیماری بلند خواهد شد زیرا عمل و اقدام پزشک زمانی انجام شده که بیمار زنده بوده و جان در بدن داشته است. و عمل او قطع حیات شخص زنده ای است و تقاضای خود بیمار یا عدم سوء نیت و قصد استفاده پزشک و حتمی بودن مرگ بیمار در آتیه نزدیکی بعلت همان مرض سبب برائت پزشک نیست.

پایان ناظمیان